



ظریف در گفت‌وگو با سی‌ان‌ان:
**تروریست‌ها از کشورهای متحد
 آمریکا می‌آیند**

کروه سیاست: «محمدجواد ظریف»، وزیر امور خارجه ایران، روز یکشنبه تأکید کرد که دولت آمریکا متن و روح برجام را نقض کرده است. او که با شبکه سی‌ان‌ان گفت‌وگو می‌کرد، درباره رفتار آمریکا در قبال برجام گفت: «ایالات متحده تعهدات خود...»

صفحه ۲

دوشنبه ۲۶ تیر ۱۳۹۶ - ۲۲ شوال ۱۴۳۸ - ۱۷ جولای ۲۰۱۷



صالحی در واکنش به دلواپسان:

**ان شاء الله ترامپ برجام را پاره
 کند تا بفهمیم به کجا می‌رسیم**

کروه سیاست: علی‌اکبر صالحی، رئیس سازمان انرژی اتمی ایران گفت: برجام را منصفانه ارزیابی کنیم نه آرزومندانه. او دیروز در یازدهمین همایش استادان و دانشجویان ایرانی خارج از کشور در مشهد خطاب به مخالفان برجام گفت: ان شاء الله ترامپ...

صفحه ۷

سال چهاردهم - شماره ۲۹۱۳ - ۲۰ صفحه - ۲۰۰۰ تومان

سرمقاله

**دستاوردهای دولت و
 عملکردهای متناقض**

نعمت احمدی - حقوق‌دان



عمر دولت یازدهم رو به پایان است و با رای قاطعی که دکتر روحانی در ۲۹ اردیبهشت از مردم گرفت، با پشتوانه مردمی بیشتری می‌تواند دولت دوازدهم را تشکیل دهد. نگاهی گذرا به وضع کشور در سال ۹۲ بیندازیم. رد صلاحیت آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی فضای مه‌آلودی بر پهنه سیاسی کشور حاکم کرده بود، دوره هشت‌ساله محمود احمدی‌نژاد، اجماعی جهانی علیه دولت ایران به وجود آورده بود، شش قطع‌نامه شورای امنیت سازمان ملل آن هم ذیل فصل هفتم منشور ملل و ماده ۴۲ منشور - که ایران را دولتی متهم و مخالف صلح جهانی قلمداد کرده بود- کلوگاه حیاتی کشور را به هم فشرده بود. قادر به فروش نفت نبودیم و پدیده بابک زنجانی و امثال او خروجی این دوره بود. انتقال پول از کشور و بالعکس امکان‌پذیر نبود. مجلس نهم نیز هم‌سویی با رئیس‌جمهور جدید نداشت. اراده نظام بر رفع موانع تحریم‌ها بود و باید این اراده را تیمی انجام می‌داد که قواعد مذاکره و جایگاه تیم مذاکره‌کننده را در رقابت بین‌المللی می‌شناخت. بهترین گزینه در تیم مذاکره‌کننده از سوی دکتر روحانی انتخاب شد. خاصی که با تعهد و توان مذاکره دکتر محمدجواد ظریف آشنایی داشتند و عوام هم با چهره خندان دیپلماتی آشنا شدند که بغض فروخته روح جمعی کشورمان را در طول مذاکرات نفسگیر اتمی باید به شادای پیروزی تبدیل می‌کرد. بیش از ۲۰ ماه مذاکره مردم را دل‌بسته قدرت مانور مذاکرات تیم مذاکره‌کننده خود کرد. فراموش نمی‌کنیم چه شب‌هایی تا ساعت‌ها بعد از نیمه‌شب جعبه جادویی رسانه، قدرت‌نمایی ظریف و تیم همراه را به تصویر می‌کشید. در همان زمان از قول یکی از اعضای تیم مذاکره‌کننده غربی نکته‌ای نزدیک به این مضمون بیان شد: «ما عادت داشتیم در مذاکره با اعراب نتیجه را به ساعات پایانی مذاکره موکول کنیم و می‌دانستیم اعضای مذاکره‌کننده عرب خسته شده‌اند و آن زمان بود که می‌شد ماهی دلخواه‌مان را از مرداب خسته عرب‌ها صید کنیم و همین نسخه را برای ایرانیان پیچیدیم. اما ظاهراً ما صید دریا مذاکره ایرانیان شدیم». حاصل این مذاکرات امضای برجام بود که نتیجه آن در فضای سیاسی و اقتصادی کشور معلوم است و آخرین آن همین قرارداد با توتال است. قصد ندارم که بیش از این به اوایل دولت یازدهم بپردازم اما مجبورم برای روشن‌شدن موضوع به وضع تابسانان اقتصادی اشاره کنم. نگارنده برای خرید وسیله‌ای برقی که موردنیاز مزرعه‌ام بود، به خیابان امام خمینی رفتم و بعد از مدتی جست‌وجو وسیله موردنظر را پیدا کردم. قیمت وسیله ۱/۶۰۰ هزار تومان بود و من در کارت بانکی همراهم حدود ۶۰۰ هزار تومان داشتم و به فروشنده گفتم این مبلغ را برداشت کند و وسیله را تا فردا نگه دارد و فردا که مابقی وجه را پرداختم، وسیله را تحویل بگیرم. جالب است فروشنده به شاگردش دستور داد وسیله موردنظر را از داخل مغازه به انباری پشت مغازه انتقال دهد و خطاب به من گفت «نیازی به پیش‌پرداخت شما نیست. این وسیله از الان تا سه روز دیگر متعلق به شماست. هر روز که برای خرید آمدید وجه آن را به قیمت همان روز می‌پردازید. امروز ۱/۶۰۰ هزار تومان است، فردا و پس فردا نمی‌دانم قیمت چند است». تیم اقتصادی دولت روحانی از حق نگذریم. در آن شرایط حساس مدیرانه وارد شدند و توانستند مانع از گسترش تورم شوند. البته ناکفته پیداست سیستم بانکی ایران مهم‌ترین بازدارنده تولید و اشتغال است.

ادامه در صفحه ۴

علی لاریجانی در کنفرانس بین‌المللی «بودجه‌ریزی بر مبنای عملکرد»، آمار تأمل برانگیزی ارائه کرد

رتبه ایران در کشورهای پنهان کار جهان

صفحه ۴



**سخنگوی قوه قضائیه
 از دستگیری برادر رئیس‌جمهور خبر داد
 فریدون در زندان**

صفحه ۳

نگار: سید حسین موسوی، فارس

یادداشت

سفر غم‌انگیز مریم میرزاخانی و درد مشترک ما

همین‌طور تحولات فناوریانه جهانی آسیب‌پذیرترند. چندان حرجی بر چنین جامعه‌ای نیست. اما، از جامعه‌ای که سابقه تمدنی درخشانی دارد و در عرصه جهانی در حوزه‌های مختلف حرفی برای گفتن دارد، انتظار دیگری می‌رود. انتظار قدرشناسی از اندیشمندان و دانشمندان و هنرمندان و ورزشکاران برجسته و برصدرتشانند آنان برای مریم میرزاخانی بعد از دریافت جایزه معتبر فیلدنز مراسم بزرگداشتی در داخل برگزار نشد. دانشکده‌های ریاضی مهم‌ترین دانشگاه‌ها ما او را برای تدریس حتی هرازچندگاه یک بار دعوت نکردند. در همایش‌های برگزارشده، مدعو به عنوان سخنران کلیدی نبود. در همه جا، افرادی مانند مریم میرزاخانی هستند که مهاجرت می‌کنند. اما، تفاوت مهم در این است که رابطه برخی با سرزمین مادری کلا قطع می‌شود و برخی نمی‌شود و می‌توانند به عنوان سرپل ارتباطی مهمی در جهت انتقال دستاوردهای علمی و فنی رایج در مرزهای پیشرو به زادگاه مادری خود عمل کنند. برخی مصداقی از فرار مغزها هستند و برخی مصداقی از گردش مغزها. متأسفانه مریم میرزاخانی مصداقی از فرار مغزهاست. همین‌طور سایر دانشمندان و سرمایه‌های علمی و فرهنگی جامعه. این دردی اجتماعی است که جامعه ما به دلیل کدهای ذهنی تعریف‌شده از سوی نظام حکمرانی، نمی‌تواند از چنین سرمایه‌های ارزشمندی بهره‌بردارد. مریم میرزاخانی و نظایر او، نیازی به ذکر نامشان بعد از فوتشان ندارند. نامشان به اندازه کافی جاودانه و بزرگ هست. نیاز دارند که در زمان حیاتشان قدر ببینند و بر جایگاهی بنشینند که شایسته آن هستند.

سرمایه‌ای، امکان جذب دستاوردهای علمی و فناوریانه رایج در مرزهای پیشروی جهانی وجود ندارد. برخلاف تصور رایج، سرمایه انسانی را به صورت کمی فقط با تعداد فارغ‌التحصیلان دانشگاهی و هزینه‌های تحقیق و توسعه نباید سنجید. سرمایه انسانی، از منظر من، دو قسمت دارد: قسمت رأس و سر یا سواره‌نظام و قسمت ستاد و بدنه یا پیاده‌نظام. دومی بدون اولی، یعنی چند میلیون فارغ‌التحصیل دانشگاهی که بیشتر مقلد هستند. اولی بدون دومی، یعنی وجود تعدادی دانشمند برجسته که توانایی پیشبرد دانش در مرزهای جهانی را دارند ولی به دلیل نبود ستاد سرمایه انسانی، ممکن است در جریان‌سازی اندیشه‌ها و ایده‌هایشان دچار مشکل شوند. بنابراین، این دو لازم و ملزوم یکدیگرند. کوچ یا فرار مغزها، موجب بی‌سرشدن سرمایه انسانی می‌شود. در نتیجه، دانشی که تولید می‌شود بیشتر حکم کپی‌پیست پیدا می‌کند. کالایی که تولید می‌شود بیشتر حالت مونتاژ پیدا می‌کند. گذار از اقتصاد و جامعه مصرف‌کننده در عرصه علم و دانش و هنر، به اقتصاد و جامعه تولیدکننده علم و دانش، مستلزم حفظ سواره‌نظام سرمایه انسانی به هر بهای لازم است. نظام حکمرانی و جامعه‌ای که قدر چنین سرمایه‌ای را نداند، هرگز نمی‌تواند در برابر آنچه تهاجم فرهنگی یا جهانی‌شدن الگوهای رفتاری نامیده می‌شود، ایستادگی کند. چنین جامعه‌ای در برابر تندباد تحولات فرهنگی ناچار به تسلیم است. تنها راه تسلیم‌نشدن، توانایی در تعامل سازنده دوسویه است. اثرگذاری و اثرگرفتن است. برخی از جوامع به دلایلی مانند سابقه تمدنی ضعیف از چنین سرمایه‌ای برخوردار نیستند. طبعاً، در برابر تحولات فرهنگی و

در اینجا، آنچه اهمیت ندارد، قدر و ارج‌شناسی از سرآمدان علمی و هنری و ورزشی است. ارج‌شناسی نه‌فقط در کلام که در عمل، در میدان‌دادن به آنان برای جریان‌سازی. متأسفانه مریم میرزاخانی تنها ایرانی نابغه نیست که برای سال‌ها ناچار به کوچ شد و چندان ارتباطی با موطن خود نداشت. عباس کیارستمی چنین بود. بهرام بیضایی چنین است. فیروز نادری چنین است و نمونه‌های دیگر. نه اینکه اینان دغدغه میهن و وطن را ندارند. قطعاً دارند و ای بسا دغدغه‌شان بیشتر از آنانی باشد که فکر می‌کنند وطن‌پرست‌تر از دیگران‌اند. مسئله، سازوکارهایی است که به دلیل ابتنا بر کدهای ذهنی ناسازگار با تحولات توسعه‌ای، از جمله تعهد را بر تخصص ارجحیت‌دادن یا ظاهر را بر باطن اولویت‌دادن، باعث می‌شود اینان حکم غریبه‌هایی را پیدا کنند که به طور خودکار ناچار به کوچ و غربت‌نشینی می‌شوند. به تعبیر جامعه‌شناس برجسته فرانسوی، پیر بوردیو، چنین افرادی «سرمایه نمادین و فرهنگی» و به تعبیر دیگر اندیشمندان «سرمایه اجتماعی» هر جامعه‌ای هستند. اعتبار هر جامعه‌ای را با وجود چنین سرمایه‌ای می‌شود شناسایی کرد. همان‌طور که فردوسی و حافظ و خیام و مولانا و سعدی و ابن سینا و بیرونی، گذشته پرافتخار و نمادین فرهنگی ما هستند و ما به آنها می‌بالیم و احساس هویت می‌کنیم، اینان نیز سرمایه نمادین فرهنگی دوره معاصر ما هستند که به وجودشان افتخار می‌کنیم و با این حس می‌توانیم سری میان سرها بلند کنیم. فقط بحث هویت‌بخشی نیست. به همان اندازه مهم، بحث سرمایه انسانی و رای پیدا می‌کنند. بر صدر می‌نشینند و قدر می‌بینند.

پرواز بسیار نابهنگام مریم میرزاخانی، جامعه جهانی و به‌خصوص جامعه ما را در غم سنگینی فرو برده است. او، برای ما، یادآور نام‌های بزرگی مانند ابوعلی سینا، ابوریحان بیرونی و خیام در عرصه علم و دانش است. از معدود ایرانیانی است که در سنین پایین در عرصه جهانی خیلی خوب درخشید و مهم‌ترین جایزه رشته ریاضیات، هم‌ارز نوبل را در سایر رشته‌ها، به نام خود ثبت کرد. افسوس که دفتر زندگی‌اش مانند برخی دیگر از نام‌آوران ایران‌زمین، مانند فروغ فرخزاد، خیلی زود به فصل پایانی خود رسید و فرصت نیافت تا تکمیل کند آنچه را که با اتکا به قدرت نبوغ خود پردازش کرده بود. ۴۰سالگی برای آنانی که سرگشته وادی علم و دانش و هنر هستند، تازه آغاز کار است. افسوس، اما، آنچه غم‌زدست‌رفتن مریم میرزاخانی را برای ما مستکین‌تر می‌کند، به جز عقربت لعنتی سرطان و سفر نابهنگامش، ارج‌ناشناسی از نابغه‌ای چون وی به هنگام حیاتش است. اگر نوابغی مانند او در کشورهای دیگر باشند، دولت‌هایشان بر سرشان می‌گذارند و قدرشان را پاس می‌دارند؛ در نظام اداری‌شان به دلیل وجود معیارهای شایسته‌سالاری و تخصص‌گرایی، جایگاه لازم را به طور خودکار پیدا می‌کنند و با دسترسی به منابع مالی و انسانی، توانایی جریان‌سازی و تولید علم و اندیشه را پیدا می‌کنند. بر صدر می‌نشینند و قدر می‌بینند.



**علی دینی‌ترکمانی
 استادیار مؤسسه مطالعات
 و پژوهش‌های بازرگانی**

حرف اول

«زن»، «چهل سالگی» و «مریم میرزاخانی»

ناهد توستلی

مرگ پایان کبوتر نیست! هر روز و شب، میلیون‌ها آدمی‌زاده، هم‌زمان، زاده می‌شوند و می‌میرند؛ امری بسس طبیعی و بی‌شک گریزناپذیر! در خیال این زایش و مرگ، بسیاری می‌زنند و سرخوشانه می‌میرند، بسیاری اما، نیز، می‌زنند، اما نمی‌میرند! انسان «جاودانگان» هستی‌اند؛ از خیال نامیرایان مقدس؛ همان‌ها که در فرهنگ و اساطیر ایران باستان «امشاسپندان» [نامیرایان سپند (مقدس)] شمرده می‌شوند و هر یک بخشی از نیکی‌های جهان را بر دوش می‌کشند و سخاوتمندانه نثار ما «آدمی‌زادگان» می‌کنند تا مگر با بهره‌گیری هوشیارانه از آنها، بالقوه‌های «انسان» مان را به منصفه بالفعل‌شدن «انسان» مان خوشی نیک است. روایت‌های مقدس از این نامیرایان مقدس «مادینه» و نیمه «زیننه»‌اند! شاید مالک هستی و طبیعت خواسته است تا «عدالت» را این‌گونه به رخ ما آدمی‌زادگان بکشد؛ «مایی» که عدالت را با برابری خلط کرده‌ایم؛ گرچه هر یک بر جای خویش نیک است. روایت‌های مقدس عادلانه می‌گوید: «علم را از گهواره تا گور بچوی» و گوش به فرمان‌ها این‌ند! ما می‌شنوند و دل به آن می‌سپارند. اما، آیا مالکان جهان ترنیه‌شده‌مان، این امکان را برای «مهای» انسان (ماده و نر) (انا خلقناکم من ذکر و ائثی) فراهم کرده‌اند تا آزادانه این‌ند! ما بشنویم و به آن عمل کنیم؟

ادامه در صفحه ۴

برای درج تبلیغات خود در وبسایت روزنامه شرق با ما تماس بگیرید

دومین روزنامه پربازدید ایران در فضای مجازی

روزنامه شرق

۸۸۱۹۲۸۷۷ - ۸۸۱۹۳۹۷۹

sharghdaily.ir

معرفی آثار انشایی مسافرتی، تله‌ما و مراکز گردشگری

علاء الدین

رجوع به صفحه ۱۹

۷۴۴۹۵ - ۲۱

تلفن تماس جهت درج آگهی ۸۸۱۹۲۸۷۷

جشنواره تابستانی

ماکسیم

پوشاک نسل امروز... و فردا

maxim

۲۰٪ تخفیف ویژه

فقط تا شنبه ۳۱ تیر ماه